



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق‌پژای بین‌الملل

Volume 4, Issue 1, 2026

Aspects and Challenges of Procedural Independence in Juvenile Criminal Justice: A View on International Instruments

Shadi Torkamani¹, Seyed Alireza Mirkamali^{2*}, Hassan Hassani³

1. Department of Islamic Jurisprudence and Criminal Law, Da.C., Islamic Azad University, Damghan, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

3. Department of Law, Faculty of Humanities, Damghan University, Damghan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 79-92

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-3594-4522

TELL: +989122652467

Email: a_mirlamali@sbu.ac.ir

Article history:

Received: 17 Aug 2025

Revised: 10 Sep 2025

Accepted: 19 Oct 2025

Published online: 21 Mar 2026

Keywords:

Procedural Independence, Juvenile Criminal Justice, Juvenile Court, International Instruments, Convention on the Rights of the Child.

ABSTRACT

Procedural independence in juvenile criminal justice is one of the most significant issues in modern criminal law, emphasizing the distinction between juvenile and adult proceedings. Its importance lies in the fact that the juvenile offender is not merely regarded as a criminal but as a developing individual in need of educational and social protection. In the Iranian legal system, the Code of Criminal Procedure of 2013 and certain special regulations have recognized the establishment of juvenile courts, the confidentiality of trials, the presence of lawyers and social workers, and restrictions on the publication of juvenile-related information. Nevertheless, shortcomings remain in legislative and practical dimensions, including the lack of sufficient specialized judges, weaknesses in supportive institutions, and cultural and social challenges that sometimes hinder the realization of the goals of procedural independence. On the other hand, international instruments such as the 1989 Convention on the Rights of the Child, the 1985 Beijing Rules, and the 1990 Riyadh Guidelines provide clear standards to ensure procedural independence in juvenile justice. A comparison of these instruments with domestic law shows that although positive steps have been taken in Iran, further legislative reforms and institutional strengthening are still needed. The findings of this study demonstrate that procedural independence is a necessary condition for achieving juvenile criminal justice, and without it, the rehabilitative and reformatory aims of the system will not be realized. Therefore, greater alignment with international standards and the enhancement of institutional capacities in Iran are imperative.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Torkamani, Sh; Mirkamali, SA; Hassani, H. (2026). "Aspects and Challenges of Procedural Independence in Juvenile Criminal Justice: A View on International Instruments". *Journal of International Criminal Law*, 4(1): 79-92.

مقدمه

تحلیلی است. داده‌ها و اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، قوانین داخلی، و اسناد بین‌المللی گردآوری شده و با رویکرد تحلیلی و تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ساختار مقاله بدین ترتیب سامان یافته است: ابتدا مبانی و مفهوم استقلال شکلی تبیین می‌شود؛ سپس جلوه‌های این استقلال در دادرسی اطفال بررسی می‌گردد؛ در ادامه، چالش‌های موجود در نظام حقوقی ایران تحلیل خواهد شد؛ و نهایتاً، با نگاه به اسناد بین‌المللی، میزان همسویی و کاستی‌های موجود مورد ارزیابی قرار گرفته و در پایان، نتایج و پیشنهادهای ارائه می‌شود.

۱- مبانی و مفهوم استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال

در این قسمت به تبیین مفهوم و مبانی متغیر اصلی بحث یعنی استقلال شکلی در عدالت کیفری پرداخته خواهد شد.

۱-۱- تعریف و چیستی استقلال شکلی

استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال به معنای طراحی و اجرای مجموعه‌ای از قواعد و فرآیندهای دادرسی است که با دادرسی بزرگسالان تمایز دارد و متناسب با وضعیت خاص کودکان تنظیم شده است. این مفهوم نه تنها ناظر بر وجود دادگاه‌های ویژه اطفال، بلکه شامل کلیه قواعد آیین دادرسی از جمله ترکیب دادگاه، نحوه حضور و مشارکت طفل، حضور وکیل یا مددکار اجتماعی، و شیوه رسیدگی و صدور رأی می‌شود (Goldson, 2009: 117). در واقع، استقلال شکلی بستری است که به موجب آن، طفل بزهدار در فرآیند رسیدگی، با سازوکارهایی مواجه می‌شود که حقوق او را به‌طور ویژه پاس داشته و از یکسان‌سازی با دادرسی بزرگسالان جلوگیری می‌کند.

تمایز استقلال شکلی از استقلال ماهوی بسیار حائز اهمیت است. استقلال ماهوی به قواعدی اشاره دارد که ماهیت و جوهره مسئولیت کیفری اطفال را مشخص می‌سازد؛ مانند تعیین سن مسئولیت کیفری، میزان تخفیف یا معافیت از مجازات، و نوع مجازات‌های جایگزین. در مقابل، استقلال شکلی به چگونگی رسیدگی و فرآیند دادرسی توجه دارد، یعنی به این پرسش پاسخ می‌دهد که «چگونه» باید به جرایم اطفال رسیدگی شود (Schmid, 2015: 201). برای مثال، ممکن است قانون‌گذار یک مجازات خاص برای اطفال پیش‌بینی کند

رسیدگی به جرایم اطفال یکی از چالش‌های بنیادین در نظام عدالت کیفری به شمار می‌آید؛ زیرا طفل در عین برخورداری از ظرفیت ارتکاب رفتار مجرمانه، شخصی در حال رشد و تحول است که نیازمند حمایت‌های تربیتی، آموزشی و اجتماعی ویژه می‌باشد. به همین دلیل، نظام‌های حقوقی مدرن همواره بر تمایز میان دادرسی اطفال و بزرگسالان تأکید کرده‌اند تا عدالت کیفری نه تنها به‌عنوان ابزار پاسخ به جرم، بلکه به‌مثابه ابزاری برای بازپروری و حمایت از آینده کودک در نظر گرفته شود (Davis, 2012: 47). این رویکرد همچنین در اسناد بین‌المللی نظیر «کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹» به‌وضوح مورد توجه قرار گرفته است، جایی که اصل «مصلح عالیه طفل» به‌عنوان مبنای تصمیم‌گیری‌های قضایی و اجرایی ذکر شده است (United Nations, 1989: 7). یکی از مؤلفه‌های بنیادین در تحقق عدالت کیفری اطفال، «استقلال شکلی» در فرآیند رسیدگی است. این استقلال به معنای طراحی و اجرای سازوکارهای شکلی متفاوت از دادرسی بزرگسالان است؛ از جمله تشکیل دادگاه‌های ویژه اطفال، غیرعلنی بودن محاکمه، ضرورت حضور وکیل و مددکار اجتماعی، و محدودیت در انتشار اطلاعات مرتبط با طفل (Goldson, 2009: 121). تمایز شکلی میان دو نظام دادرسی نه تنها تضمین‌کننده حقوق کودک است، بلکه زمینه‌ساز اجتماعی‌شدن و پیشگیری از تکرار جرم را نیز فراهم می‌آورد. در فقدان چنین استقلالی، خطر همسان‌سازی دادرسی اطفال با بزرگسالان وجود دارد که می‌تواند به تضييع حقوق بنیادین طفل بیانجامد (Schmid, 2015: 203). هدف اصلی این پژوهش، واکاوی جلوه‌ها و چالش‌های استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال با تمرکز بر نظام حقوقی ایران و مقایسه آن با استانداردهای بین‌المللی است. پرسش محوری آن است که: استقلال شکلی در رسیدگی به جرایم اطفال چه مظاهر و چالش‌هایی دارد و تا چه حد نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی در این زمینه همسویی دارد؟ این پرسش با تکیه بر تحلیل قوانین داخلی، رویه‌های موجود، و بررسی اسناد بین‌المللی همچون قواعد پکن ۱۹۸۵ و قواعد ریاض ۱۹۹۰ دنبال می‌شود (UN, 1985: 5 UN, 1990: 10). روش تحقیق این مقاله، توصیفی-

دیگر، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با تفکیک میان مسئولیت کیفری اطفال و بزرگسالان، نظامی حمایتی را بنیان گذاشته است. در مواد ۸۸ و ۸۹ این قانون، به جای مجازات‌های شدید، تدابیر جایگزین مانند الزام به تحصیل، اقامت در منزل یا مراکز تربیتی، و حضور در دوره‌های آموزشی در نظر گرفته شده است. این رویکرد مبتنی بر اصل بازپروری طفل و بازگشت او به جامعه است. در نتیجه، تلاش کرده است میان ضرورت پاسخ به جرم و حمایت از کرامت انسانی او توازن برقرار کند. این امر نشان‌دهنده آن است که مبانی حمایتی در حقوق ایران، ضمن همسویی نسبی با استانداردهای بین‌المللی، در چارچوب ارزش‌های دینی و اجتماعی نیز قابل تبیین است.

فقه اسلامی، به‌ویژه در مکتب امامیه، مبانی اصلی بسیاری از مقررات کیفری ایران است. در فقه، مسئولیت کیفری اطفال به صورت مطلق مورد پذیرش قرار نگرفته و همواره مشروط به بلوغ شرعی و عقلانی دانسته شده است. مشهور فقهای امامیه معتقدند که «التکلیف مشروط بالبلوغ و العقل»، و از این رو، طفل نابالغ به دلیل فقدان اهلیت تام، فاقد مسئولیت کیفری است (نجفی، ۱۴۱۲ق: ۲۳۵). این مبنا در منابع فقهی به روشنی بیان شده است. به‌عنوان نمونه، علامه حلی در قواعد الاحکام تصریح می‌کند که «الصبی لا یخاطب بالتکالیف الشرعیة حتی یبلغ»؛ بدین معنا که طفل تا زمان بلوغ، مکلف به احکام شرعی و در نتیجه مسئولیت کیفری نمی‌گردد (حلی، ۱۴۱۳ق: ۱۷۸). بر همین اساس، مجازات‌های حدی و قصاص در مورد اطفال قابل اعمال نیست و تنها تعزیرات تربیتی یا تأدیبی برای اصلاح رفتار طفل قابل تصور است.

علاوه بر این، قاعده «درء الحدود بالشبهات» نیز در فقه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و نسبت به اطفال به‌گونه‌ای مضاعف اعمال می‌شود. فقها بر این باورند که در صورت شک در بلوغ یا عقلانیت طفل، باید از اعمال مجازات‌های سنگین اجتناب کرد و به اقدامات اصلاحی و حمایتی بسنده نمود (موسوی خمینی، ۱۴۰۸ق: ۴۵). این امر بیانگر آن است که فقه اسلامی نه‌تنها به لحاظ نظری، بلکه در مقام عمل نیز اطفال را موضوع حمایتی خاص دانسته است. برآیند این

(استقلال ماهوی)، اما اگر روند دادرسی همانند دادرسی بزرگسالان باشد، استقلال شکلی رعایت نشده است. بنابراین، این دو مفهوم مکمل یکدیگرند و تحقق عدالت کیفری اطفال در گرو توجه همزمان به هر دو بعد است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای استقلال شکلی، پاسداشت کرامت انسانی طفل بزهکار است. دادرسی شکلی مستقل، این پیام را منتقل می‌کند که کودک صرف‌نظر از ارتکاب جرم، همچنان دارای شأن انسانی و حقوقی خاص است که باید محترم شمرده شود. برای نمونه، غیرعلنی بودن محاکمه از انتشار انگ اجتماعی جلوگیری می‌کند و امکان بازگشت طفل به جامعه را تسهیل می‌نماید (Davis, 2012: 63). همچنین، حضور وکیل و مددکار اجتماعی در دادگاه‌های اطفال نه‌تنها حق دفاع مؤثر را تضمین می‌کند، بلکه حمایت روانی و اجتماعی لازم برای کودک را فراهم می‌سازد (Sloth-Nielsen, 2018: 89). این امر به‌ویژه در پرتو اصل «مصالح عالی‌ه طفل» که در اسناد بین‌المللی همچون کنوانسیون حقوق کودک تصریح شده است، نشان می‌دهد که استقلال شکلی در عمل ابزاری برای تحقق این اصل بنیادین است (United Nations, 1989: 7). در نتیجه، استقلال شکلی علاوه بر آنکه یک ضرورت فنی در نظام عدالت کیفری است، در عمل وسیله‌ای برای پاسداشت کرامت انسانی طفل، کاهش آثار منفی دادرسی، و ایجاد شرایط بازپروری و بازاجتماعی‌شدن وی محسوب می‌شود.

۲-۱- مبانی نظری و فقهی-حقوقی

حقوق داخلی ایران به دلیل تأثیرپذیری از فقه اسلامی و همچنین تحولات حقوقی معاصر، در حوزه عدالت کیفری اطفال بر مبانی حمایتی ویژه‌ای تأکید دارد. مهم‌ترین سند قانونی در این زمینه «قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲» است که با اختصاص موادی به دادرسی ویژه اطفال، بر ضرورت استقلال ساختاری و شکلی این حوزه تأکید کرده است. مطابق ماده ۲۹۸ این قانون، تشکیل دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده و صلاحیت رسیدگی به جرایم افراد زیر ۱۸ سال صراحتاً در صلاحیت این دادگاه قرار گرفته است. همچنین، ماده ۴۱۰ بر حضور مشاوران متخصص و نیز ممنوعیت حضور اشخاص غیرمرتبط تأکید دارد که در راستای حمایت از شخصیت و حیثیت اجتماعی طفل است. از سوی

تصریح کرده است که بیانگر گامی مثبت در راستای انطباق با موازین بین‌المللی است (آخوندی، ۱۳۹۴: ۲۱۲).

تفکیک صلاحیت دادگاه اطفال از دادگاه‌های عمومی کیفری دارای کارکردهای مهمی است. نخست آنکه، این تفکیک مانع از یکسان‌نگاری اطفال با بزرگسالان در فرآیند کیفری می‌شود و به نوعی تمایز ساختاری در دادرسی ایجاد می‌کند. دوم آنکه، وجود دادگاه اختصاصی سبب می‌شود که تصمیمات قضایی با رویکرد اصلاحی و بازپرورانه اتخاذ شوند و نه صرفاً تنبیهی و سرکوبگرانه (Schabas, 2006: 52). این موضوع به‌ویژه در اسناد بین‌المللی مانند «قواعد پکن» (۱۹۸۵) و «قواعد ریاض» (۱۹۹۰) مورد تأکید قرار گرفته است. در ایران، تفکیک صلاحیت دادگاه اطفال از دادگاه‌های عمومی کیفری، علاوه بر ایجاد اطمینان در رعایت حقوق اطفال، به‌منابه گامی در راستای تحقق اصل فردی‌سازی مجازات نیز ارزیابی می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۱۴۵). افزون بر این، پژوهش‌های حقوقی داخلی تأکید کرده‌اند که دادگاه‌های عمومی به‌سبب تراکم پرونده‌ها و عدم آموزش تخصصی قضات، قادر به رسیدگی متناسب به وضعیت اطفال نیستند و همین امر ضرورت استقلال دادگاه‌های ویژه را دوچندان می‌کند (صانعی، ۱۳۹۲: ۷۸).

بر این اساس، تشکیل دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان، نه‌تنها یک جلوه بارز از استقلال شکلی در نظام عدالت کیفری به شمار می‌آید، بلکه به‌منزله‌ی تضمینی برای حمایت از کرامت انسانی و منافع عالیه کودک محسوب می‌شود. این نهاد، پیوندی میان تعهدات بین‌المللی ایران و آموزه‌های فقهی-حقوقی داخلی ایجاد می‌کند و می‌تواند الگویی عملی برای تحقق عدالت ترمیمی در حوزه جرایم اطفال باشد.

۲-۲- ویژگی‌های خاص دادرسی

یکی از جلوه‌های بارز استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال، ایجاد ویژگی‌های اختصاصی در فرآیند دادرسی است که با هدف حمایت از کرامت انسانی و منافع عالیه طفل طراحی شده‌اند. این ویژگی‌ها شامل غیرعلنی بودن جلسات دادرسی، حضور وکیل یا مددکار اجتماعی، و محدودیت در انتشار اطلاعات مرتبط با پرونده است. چنین سازوکارهایی به‌طور

رویکردها نشان می‌دهد که مبانی فقهی در حوزه مسئولیت کیفری اطفال، از اساس بر اصل «حمایت و بازپروری» مبتنی است. این مبانی در کنار تحولات جدید حقوقی، زمینه‌ساز شکل‌گیری نظام دادرسی ویژه اطفال در ایران شده است. به همین دلیل می‌توان گفت که استقلال شکلی در دادرسی اطفال، ریشه‌های عمیق در فقه اسلامی دارد و حقوق ایران با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، می‌تواند همگرایی بیشتری با استانداردهای بین‌المللی برقرار سازد.

۲. جلوه‌های استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال

در این قسمت به مهمترین جلوه‌های استقلال شکلی در عدالت کیفری پرداخته خواهد شد.

۱-۲- تشکیل دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان

یکی از مهم‌ترین مظاهر استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال، تشکیل دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان است. در نظام‌های حقوقی معاصر، به رسمیت شناختن دادگاه اختصاصی برای اطفال به‌منزله‌ی تضمین یک دادرسی متناسب با نیازها و ویژگی‌های خاص آنان تلقی می‌شود. این نهاد نه‌تنها بیانگر تعهد دولت‌ها به رعایت استانداردهای بین‌المللی همچون ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک است، بلکه نشان‌دهنده‌ی توجه به اصل حمایت ویژه از کودک بزهکار در فرآیند کیفری محسوب می‌شود (Cipriani, 2009: 86).

دادگاه ویژه اطفال عموماً با حضور قضاتی که آموزش‌های تخصصی در زمینه روان‌شناسی، علوم تربیتی و جرم‌شناسی کودکان دیده‌اند، شکل می‌گیرد. ترکیب دادگاه در بسیاری از نظام‌های حقوقی به‌گونه‌ای طراحی شده است که قاضی بتواند ضمن رعایت اصول دادرسی عادلانه، ملاحظات حمایتی و تربیتی را نیز مد نظر قرار دهد. صلاحیت این دادگاه محدود به رسیدگی به جرایم ارتكابی توسط افراد زیر سن قانونی است و از این جهت، ویژگی انحصاری دارد. علاوه بر این، تدابیری همچون غیرعلنی بودن جلسات و حضور مددکاران اجتماعی از شاخصه‌های متمایز آن است (Doak & Ashworth, 2018: 129). در ایران نیز قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مواد ۲۸۵ تا ۲۸۹ به تشکیل و صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان

جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود، اگر توسط افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی می‌شود.

ملاحظه می‌شود بین تبصره ۱ ماده ۲۸۵ و ماده ۳۱۵ تعارض وجود دارد. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۱۲۱۲ مورخ ۹۸/۱۱/۲۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه بیان داشته که در این حالت در تحقیقات مقدماتی مستقیماً در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان انجام می‌شود و این ماده را مخصص تبصره ۱ ماده ۲۸۵ دانسته است. به نظر می‌رسد، دادگاه اطفال و نوجوانان صالح به رسیدگی است. چرا آنکه تبصره ۱ ماده ۲۸۵ به صراحت تمامی اطفال را به نحو مطلق اعم از دختر و پسر را مشمول دانسته است. رویکرد مقنن که در چند دهه اخیر به سمت افتراقی سازی و نادیده‌انگاشتن تبعیض جنسیتی است. به علاوه دادگاه اطفال و نوجوانان یک دادگاه تخصصی عمومی اطفال و نوجوانان است و اصل بر صلاحیت دادگاه عمومی است. اما رویه قضایی عکس این قضیه را مورد پذیرش قرار داده است.

بنابراین، در هر حوزه قضائی شهرستان، یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان برحسب نیاز تشکیل می‌شود و تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان به جز جرائم مشمول ماده ۳۱۵ این قانون، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود. تحقیقات مقدماتی اطفال ۹ تا ۱۵ سال مستقیماً توسط این دادگاه انجام شده و دادگاه در این خصوص کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و داسرا می‌باشد انجام داده و پس از تکمیل تحقیقات مبادرت به رسیدگی و صدور رای می‌نماید. دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی مشاور تشکیل می‌شود و نظر مشاور مشورتی است و رئیس دادگستری یا رئیس کل دادگاه‌های شهرستان مرکز استان، در هر استان و هر حوزه حسب مورد، ریاست دادگاه‌های اطفال و نوجوانان را نیز بر عهده دارد. از این رو، می‌توان گفت که در تحقیقات مقدماتی اطفال هیچ‌گونه استقلالی در پذیرش نهاد داسرا در

مؤثر از فشارهای روانی، انگ‌زنی اجتماعی و تبعات منفی دادرسی بر کودک می‌کاهد و زمینه بازپروری و بازاجتماعی شدن وی را فراهم می‌آورد (آخوندی، ۱۳۹۴: ۲۱۸).

مقنن برای تحقیقات مقدماتی اطفال و نوجوانان دو رویکرد مختلف پذیرفته است. در رویکرد اول یک استقلال نسبی برای نوجوانان با پذیرش داسرای ویژه نوجوانان پیش‌بینی نموده است. در رویکرد دوم مقنن بدون پذیرش استقلال نهاد داسرا نسبت به اطفال تحقیقات مقدماتی کلیه افراد زیر ۱۵ سال را به نحو مستقیم در اختیار دادگاه اطفال و نوجوانان قرار داده است. تبصره ۱ ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد؛ تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر ۱۵ سال به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود و تحقیقات مقدماتی هم توسط دادگاه صورت می‌گیرد. پس آیا باید گفت پلیس ویژه نوجوانان نه اطفال؟ و همچنین ماده ۴۲ این قانون مقرر می‌دارد؛ بازجویی از زنان و افراد نابالغ باید توسط ضابطان آموزش دیده زن صورت بگیرد. آیا این مواد باهم تعارض دارند؟ برخی ماده ۴۲ با تبصره ۱ ماده ۲۸۵ را متعارض باهم قلمداد می‌کند. تبصره ۱ ماده ۲۸۵ به‌طور کلی در مورد تمامی جرائم افراد زیر ۱۵ سال، که نابالغان جزء این هستند، تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه انجام می‌شود (خالقی، ۱۴۰۰: ۷۲). اما به نظر می‌رسد، این مواد باهم تعارض ندارند، بلکه ماده ۳۱ و ۴۲ و تبصره‌های ماده ۲۸۵ مکمل یکدیگرند. به عبارتی دیگر، تحقیقات مقدماتی توسط همه این‌ها زیر نظر دادگاه انجام می‌شود. و اینها ضابط خاص هستند که برای نحوه برخورد متناسب با اطفال و نوجوانان معارض با قانون که با روحیات خاص این‌ها آگاهی دارند آموزش دیده‌اند.

لیکن اختلاف نظری در رابطه با پذیرش رویکرد چندگانه مقنن در تبعیض سن بلوغ دختران و پسران در تبصره ۱ ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با ماده ۳۱۵ این قانون نمایان است. تبصره ۱ ماده ۲۸۵ بیان داشته: تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و داسرا است انجام می‌دهد. از طرفی ماده ۳۱۵ بیان داشته:

مشاوران با نگاه تخصصی خود به آسیب شناسی ریشه‌های بزهکاری اطفال می‌پردازند و با این آسیب شناسی در صدور رأی به دادگاه کمک می‌کنند. مشاوره بر اساس قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۲۷ آبان ۱۳۳۸ الزامی بود ولی نگاه قانونگذار به مشاوران یک نگاه صنفی بود و بیشتر به هیات منصفه شبیه بود تا مشاوره به معنای خاصی که به اطفال و دادرسی او کمک می‌نماید. به همین دلیل قانون‌گذار، مطابق ماده ۲۹۸ و تبصره ۲ ماده ۳۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری، وجود مشاور را در دادگاه اطفال ضروری تشخیص داده است. با این وجود، نظر مشاور برای دادرسی الزامی نیست. لذا این نقد به مقنن وارد است که چرا نظر یک مشاور متخصص فقط جنبه ارشادی داشته باشد؟!.

در ماده ۴۱۰ همین قانون و تبصره‌های ذیل آن نیز به تخصص‌های مورد نیاز و نحوه پیشنهاد هشت نفر مشاور توسط رئیس حوزه قضایی شهرستان و انتخاب و صدور ابلاغ چهار نفر از آن‌ها توسط رئیس کل دادگستری استان اشاره شده است. همچنین تاکید کرده است در صورت مونث بودن متهم حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد. نکته مهم دیگر از نگاه قانونگذار، شرایط قضاات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان است که داشتن حداقل پنج سال سابقه قضایی و رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تاهل، گذراندن دوره آموزشی و داشتن فرزند، ذکر شده است. در مجموع، ویژگی‌های شکلی دادرسی، از مهم‌ترین جلوه‌های استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال به شمار می‌روند. این ویژگی‌ها نه تنها حفاظت از حقوق و کرامت طفل را تضمین می‌کنند، بلکه امکان تحقق اهداف تربیتی، اصلاحی و بازپرورانه نظام عدالت کیفری را نیز فراهم می‌آورند.

۳-۲- نقش نهادهای حمایتی و میانجیگری

یکی از جلوه‌های مهم استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال، تعامل با نهادهای حمایتی و استفاده از سازوکارهای میانجیگری و عدالت ترمیمی است. این رویکرد، علاوه بر حمایت از حقوق طفل بزهکار، زمینه بازپروری و بازگشت وی به جامعه را فراهم می‌کند و از تمرکز صرف بر مجازات سنتی جلوگیری می‌کند (صانعی، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

حقوق کیفری ایران پذیرفته نشده است. البته پذیرش نهاد دادرسی در خصوص اطفال خود دارای معایب زیادی است. به نظر می‌رسد که مقنن با نگاهی به معایب دادرسی در خصوص اطفال، تحقیقات مقدماتی را در اختیار دادگاه قرار داده است که این رویکرد قابل پذیرش و توجیه است. در تأسیس دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی مخالف وجود دادرسی اطفال و نوجوانانند به این دلیل که وجود دادرسی موجب اطاله دادرسی می‌شود. اطاله دادرسی هم زمینه تکرار جرم را فراهم می‌سازد، چون موجب می‌شود که طفل یا نوجوان در یک مدت طولانی‌تری در چرخه دادرسی حضور داشته باشند. حمایت از اطفال اقتضای آن را دارد که مداخله قضایی به حداقل امکان برسد و از این جهت و همچنین از این حیث، که خود نهاد دادرسی می‌تواند زمینه‌ساز رفتار معارض اطفال و نوجوانان باشد لازم است که چنین مرجعی وجود نداشته باشد یا ملغی شود.

دومین دلیل مخالفین این است که رسیدگی در دادرسی موجب اضطراب و تشویش خاطر طفل و یا نوجوان خواهد شد و این وضعیت اثرات نامطلوب و سوئی بر روح و روان او و همچنین اجرای تدابیر اصلاحی و تربیتی خواهد داشت. اما موافقان دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان، معتقدند که وجود دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان دارای منافع بیشتری نسبت به عدم وجود آن است؛ به این معنا که تفکیک مرحله مقدماتی از محاکمه صغار در دادگاه با عدالت سازگارتر است چون متضمن بی‌طرفی مقام قضایی است. بازپرس یک قاضی بی‌طرف است اما قاضی دادگاه ممکن است این بی‌طرفی را نداشته و پیش‌داوری کند. علاوه بر آن مشروط به آنکه این دادرسی به صورت کاملاً مجزا ویژه و مستقل از دادرسی عمومی تأسیس شود و مقامات دادرسی با خصوصیات شخصیتی اطفال و نوجوانان آشنایی کامل داشته باشند وجود چنین دادرسی می‌تواند به اتخاذ تصمیمات متناسب برای بازپروری آن‌ها کمک شایانی نماید. برای مثال چنین دادرسی می‌تواند با ارجاع پرونده به میانجی‌گری اقدام به تغییر مسیر پرونده به دادرسی غیررسمی نماید یا تعقیب متهم را تعلیق نماید.

۲-۳-۱- سازمان‌های حمایتی داخلی

در ایران، سازمان‌های متعددی در حمایت از اطفال و نوجوانان درگیر در نظام عدالت کیفری فعالیت دارند. سازمان بهزیستی کشور به‌عنوان مهم‌ترین نهاد حمایتی، علاوه بر ارائه خدمات روان‌شناختی و آموزشی، در موارد ضروری با دادگاه ویژه اطفال همکاری می‌کند تا محیطی امن و مناسب برای کودکان فراهم شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۱۵۲). مراکز اصلاح و تربیت، نیز نقش تربیتی و مراقبتی دارند و به جای مجازات‌های شدید، بر آموزش مهارت‌های اجتماعی و حرفه‌ای تمرکز می‌کنند. این نهادها با هدف کاهش احتمال تکرار جرم و ایجاد فرصت بازگشت اجتماعی برای طفل، مکمل کار دادگاه ویژه اطفال هستند.

همچنین، انجمن‌های مردم‌نهاد و مؤسسات خیریه نیز در زمینه مشاوره، آموزش خانواده و حمایت اجتماعی از کودکان بزهکار فعالیت دارند. این سازمان‌ها می‌توانند نقش حمایتی و نظارتی ویژه‌ای در طول فرآیند دادرسی و پس از صدور حکم ایفا کنند، به گونه‌ای که طفل احساس امنیت و حمایت کند و از فشارهای روانی ناشی از محاکمه کاسته شود (آخوندی، ۱۳۹۴: ۲۳۲).

۲-۳-۲- نقش میانجیگری و عدالت ترمیمی

یکی دیگر از جلوه‌های استقلال شکلی در نظام کیفری اطفال، استفاده از میانجیگری و عدالت ترمیمی است. میانجیگری، فرآیندی داوطلبانه و هدایت‌شده است که در آن کودک بزهکار، خانواده وی، و شاکی (در صورت وجود) تحت هدایت مددکار اجتماعی یا میانجی قضایی، به گفت‌وگو و حل مسالمت‌آمیز اختلاف می‌پردازند. هدف این سازوکار، اصلاح رفتار طفل و جبران آثار ناشی از جرم بدون ایجاد تنش‌های روانی و اجتماعی شدید است (صادقی، ۱۳۹۵: ۸۷). در نظام حقوق ایران، با تصویب قوانین اخیر، دادگاه ویژه اطفال می‌تواند پیش از صدور حکم، اقدام به ارجاع پرونده به سازوکارهای میانجیگری کند. این روش علاوه بر کاهش بار پرونده‌های قضایی، امکان اصلاح و بازپروری کودک را در بستر جامعه فراهم می‌آورد. عدالت ترمیمی همچنین باعث می‌شود که طفل مسئولیت رفتار خود را بپذیرد و اثرات منفی اعمالش بر دیگران را بهتر درک کند، بدون آنکه با مجازات‌های سنگین

و غیرتناسبی مواجه شود (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۴۵). نتیجه‌گیری کلی این است که نهادهای حمایتی و سازوکارهای میانجیگری، جلوه‌ای روشن از استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال در ایران به شمار می‌آیند. این رویکردها نه تنها حقوق و کرامت طفل بزهکار را تضمین می‌کنند، بلکه بستر مناسبی برای تحقق اهداف اصلاحی و تربیتی فراهم می‌آورند و با استانداردهای بین‌المللی مانند قواعد پکن و کنوانسیون حقوق کودک همسو هستند.

۳- چالش‌های استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال

در این قسمت به تبیین چالش‌های استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال در حقوق کیفری ایران پرداخته خواهد شد.

۱-۳-۳- چالش‌های قانونی

یکی از مهم‌ترین مسائل در تحقق استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال، چالش‌های قانونی است که مانع اجرای کامل اصول حمایتی و تربیتی می‌شود. این چالش‌ها به دو بخش اصلی تقسیم می‌شوند: خلأها و کاستی‌های قانونی و مشکلات مربوط به صلاحیت دادگاه ویژه اطفال.

قانون آیین دادرسی کیفری ایران، هرچند در مواد متعدد به حقوق متهمان و اصل علنی بودن دادرسی اشاره دارد، در حوزه اطفال با برخی خلأها مواجه است. به عنوان مثال، غیرعلنی بودن جلسات دادگاه اطفال که یکی از ویژگی‌های حمایت‌کننده از کرامت و شخصیت کودک بزهکار محسوب می‌شود، به صراحت در قانون پیش‌بینی نشده است. در حالی که اصل علنی بودن دادرسی برای بزرگسالان مورد تأکید است، ماده ۴۱۰ آیین دادرسی کیفری، تدابیر مشخصی برای اعمال شرایط خاص اطفال ندارد و صرفاً به قضاوت دادگاه ویژه اطفال اشاره می‌کند. علاوه بر آیین دادرسی کیفری، سایر قوانین خاص مانند قانون مجازات اسلامی نیز در برخی مواد با عدم انطباق با شرایط اطفال مواجه هستند. به عنوان نمونه، در مواردی که مجازات‌های تعزیری پیش‌بینی شده، معیارهای سنجش تناسب با سن و وضعیت روانی کودک به روشنی مشخص نشده است. این خلأها باعث می‌شود که قاضی ناچار شود در فرآیند دادرسی تفسیر و تصمیم‌گیری گسترده‌ای داشته

تعداد این قضاات محدود است و گاهی دادگاه‌ها با قضاات فاقد تجربه کافی در این زمینه فعالیت می‌کنند. کمبود نیروی انسانی متخصص موجب می‌شود که رسیدگی‌ها طولانی شود و کیفیت تصمیم‌گیری قضایی کاهش یابد. علاوه بر آن، فشار کاری زیاد و عدم وجود برنامه‌های آموزشی مستمر برای قضاات، امکان استفاده از روش‌های اصلاحی و حمایتی را محدود می‌کند و گاه تصمیمات صرفاً بر اساس مقررات عمومی و بدون لحاظ نیازهای ویژه کودک اتخاذ می‌شوند (نجفی، ۱۳۹۶: ۱۶۵).

یکی دیگر از چالش‌های جدی، ضعف ساختاری و مالی نهادهای حمایتی و مددکاری اجتماعی است. این نهادها شامل سازمان بهزیستی، مراکز اصلاح و تربیت و برخی مؤسسات غیردولتی هستند که وظایف مهمی مانند حمایت روانی، آموزش مهارت‌های اجتماعی و حرفه‌ای، و مشارکت در فرآیند دادرسی اطفال دارند. با این حال، ظرفیت این نهادها در مقایسه با گستره وظایف و مسئولیت‌هایشان بسیار محدود است. ضعف‌های مالی باعث می‌شود که تعداد مددکاران اجتماعی و کارکنان متخصص کافی نباشد و منابع لازم برای آموزش، مشاوره و حمایت کودک فراهم نشود. از سوی دیگر، ضعف‌های ساختاری ناشی از عدم توجه کافی نهادهای حاکمیتی به اهمیت نقش این سازمان‌ها، موجب محدودیت اختیارات و صلاحیت‌های آنها شده است. در عمل، بسیاری از وظایف اصلاحی و حمایتی که بر عهده این نهادهاست، به دلیل کمبود منابع یا محدودیت‌های قانونی به درستی انجام نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۲۵۰).

این محدودیت‌ها باعث می‌شود که فرآیند دادرسی اطفال با کاستی‌های قابل توجهی مواجه شود. برای مثال، امکان ارائه مشاوره روان‌شناختی مناسب به طفل بزهدکار قبل، حین و بعد از دادرسی محدود است و در نتیجه اثرات منفی روانی و اجتماعی ناشی از محاکمه کاهش نمی‌یابد. همچنین، فقدان حضور کافی مددکاران اجتماعی در جلسات دادرسی، کاهش نقش میانجیگری و عدالت ترمیمی و افزایش تمرکز بر مجازات سنتی را به همراه دارد (صادقی، ۱۳۹۵: ۹۵).

باشد، که خود می‌تواند منجر به عدم ثبات و یکسانی تصمیمات قضایی شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۱۶۰).

یکی دیگر از چالش‌های قانونی، مسأله تعیین صلاحیت دادگاه ویژه اطفال در موارد خاص است. به‌ویژه زمانی که جرائم توسط اطفال ارتکاب می‌یابد که در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دارد، قانون هیچ مقرر صریحی برای تعیین مرجع صالح پیش‌بینی نکرده است. این مسأله سبب می‌شود که در عمل تردیدهایی در مورد ارجاع پرونده به دادگاه عمومی یا ویژه اطفال ایجاد شود و روند دادرسی با تأخیر و پیچیدگی مواجه گردد (آخوندی، ۱۳۹۴: ۲۴۵). این چالش نه تنها موجب ایجاد نااطمینانی برای قضاات و دستگاه قضایی می‌شود، بلکه بر حقوق اطفال و کیفیت دادرسی نیز تأثیر منفی دارد. نبود مقرر مشخص درباره صلاحیت در جرائم خاص، از جمله جرائم سیاسی یا امنیتی که توسط اطفال انجام می‌شود، می‌تواند زمینه تضییع حق دفاع، اعمال مجازات‌های نامتناسب و کاهش حمایت از کودک را فراهم کند (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۵۰). به طور کلی، چالش‌های قانونی یادشده نشان‌دهنده نیاز مبرم به بازنگری و اصلاح قوانین مرتبط با دادرسی اطفال در ایران است. تدوین مقررات دقیق درباره غیرعلنی بودن جلسات، تعیین مرجع صالح در جرائم خاص، و انطباق قوانین تعزیری با سن و شرایط روانی کودک، می‌تواند به تقویت استقلال شکلی و تحقق عدالت کیفری حمایتی کمک کند.

۲-۳- چالش‌های اجرایی و نهادی

یکی از مهم‌ترین موانع تحقق استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال، محدودیت‌های عملی و اجرایی در ساختار دادگاه ویژه اطفال و نهادهای حمایتی مرتبط با آن است. این چالش‌ها عمدتاً ناشی از دو عامل اصلی هستند: کمبود قضاات متخصص در حوزه اطفال و ضعف نهادهای حمایتی و مددکاری اجتماعی. هر دو عامل تأثیر مستقیم بر کیفیت دادرسی، حمایت از حقوق طفل و تحقق اهداف اصلاحی و تربیتی دارد (کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

دادگاه ویژه اطفال نیازمند قضاات متخصص و آموزش‌دیده در حوزه روان‌شناسی کودک، جرم‌شناسی و مسائل اجتماعی اطفال است. با این حال، در بسیاری از استان‌ها و شهرستان‌ها

باعث حفاظت از کرامت انسانی کودک و کاهش اثرات روانی ناشی از مواجهه با فرآیند قضایی می‌شوند.

۲-۴- قواعد پکن

قواعد استاندارد حداقل سازمان ملل برای اداره عدالت کیفری اطفال، موسوم به قواعد پکن، چارچوب عملی برای تحقق استقلال‌شکلی ارائه می‌دهند. این قواعد بر غیرعلنی بودن جلسات دادرسی، اولویت مصالح کودک بر مجازات، استفاده از اصلاح و تربیت به جای مجازات سخت، و ضرورت آموزش قضات و کارکنان نظام کیفری برای برخورد با اطفال تأکید دارند (Doek, 2004: 15). اهمیت این قواعد در آن است که علاوه بر تعیین اصول کلی، پیشنهادهای عملی برای طراحی دادگاه‌ها و رویه‌های قضایی ارائه می‌کنند. برای مثال، تفکیک واضح دادرسی اطفال از بزرگسالان، ایجاد شرایط روان‌شناختی مناسب و ارائه حمایت‌های مشاوره‌ای، از مهم‌ترین توصیه‌های قواعد پکن هستند که موجب کاهش آسیب‌های روانی کودک در طول فرآیند قضایی می‌شوند.

۴-۳- قواعد ریاض

قواعد ریاض، که به استانداردهای حداقل برای رسیدگی به اطفال بزهکار اختصاص دارد، تأکید ویژه‌ای بر رویکرد بازپرورانه و تربیتی دارند. این قواعد استفاده از میانجیگری، عدالت ترمیمی و مشارکت فعال مددکاران اجتماعی را به عنوان سازوکارهای عملی برای حمایت از استقلال‌شکلی معرفی می‌کنند (Brown, 2010: 22). تحلیل کاربرد عملی این قواعد نشان می‌دهد که اعمال عدالت ترمیمی نه تنها موجب کاهش مجازات‌های شدید می‌شود، بلکه زمینه تعامل کودک با جامعه و اصلاح رفتار را فراهم می‌آورد. همچنین، قواعد ریاض توصیه می‌کنند که هر تصمیم قضایی باید متناسب با سن، بلوغ و وضعیت روانی کودک اتخاذ شود؛ این توصیه‌ها به تحقق عدالت فردمحور کمک می‌کنند و از یکسان‌سازی رفتار قضایی کودکان با بزرگسالان جلوگیری می‌کنند.

۴-۴- سایر اسناد بین‌المللی

علاوه بر اسناد فوق، سایر ابزارهای بین‌المللی مانند منشور اصول مربوط به عدالت کیفری اطفال در حقوق بشر نیز بر اهمیت تفکیک دادرسی اطفال از بزرگسالان و ارائه آموزش

به طور کلی، کمبود قضات متخصص و ضعف نهادهای حمایتی و مددکاری اجتماعی، از مهم‌ترین چالش‌های عملی در تحقق استقلال‌شکلی دادگاه ویژه اطفال در ایران هستند. رفع این مشکلات نیازمند افزایش آموزش و تخصص قضات، تقویت منابع مالی و ساختاری نهادهای حمایتی، و گسترش اختیارات و صلاحیت‌های مددکاران اجتماعی است تا بتوان اهداف حمایتی و تربیتی نظام عدالت کیفری اطفال را به طور مؤثر عملیاتی کرد.

۴- اسناد بین‌المللی و تأثیر آن‌ها بر استقلال‌شکلی

تحولات اخیر در حوزه حقوق اطفال و عدالت کیفری نشان می‌دهد که اسناد بین‌المللی نقش بنیادینی در شکل‌دهی به استقلال‌شکلی دادرسی اطفال ایفا کرده‌اند. این اسناد، با ارائه چارچوب‌ها و استانداردهای مشخص، تلاش کرده‌اند تا حقوق اطفال بزهکار در فرآیند قضایی محافظت شود و ویژگی‌های ویژه‌ای برای دادرسی آنان پیش‌بینی گردد. استقلال‌شکلی، به معنای ایجاد رویه‌ها، نهادها و فرآیندهای مجزا برای رسیدگی به اطفال، یکی از پیش‌شرط‌های تحقق عدالت کیفری عادلانه و بازپرورانه است و اسناد بین‌المللی مختلف، آن را به عنوان اصل محوری پذیرفته‌اند.

۴-۱- کنوانسیون حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، مهم‌ترین سند بین‌المللی در حوزه حقوق اطفال است و نقش کلیدی در ارتقای استقلال‌شکلی دادرسی دارد. ماده ۳۷ این کنوانسیون تأکید دارد که هیچ کودکی نباید مورد شکنجه، رفتار ظالمانه یا مجازات غیرانسانی قرار گیرد و ماده ۴۰ بر حق کودک در دادرسی عادلانه و تمایز آن از دادرسی بزرگسالان تأکید می‌کند (Barnett, 2021: 111). این مواد نه تنها چارچوب کلی حقوق کودک را مشخص می‌کنند، بلکه الزام‌آور بودن آن‌ها برای کشورهای عضو، موجب شده تا قوانین داخلی اصلاح و با ویژگی‌های کودکان بزهکار هماهنگ شوند. از جمله آثار مهم کنوانسیون حقوق کودک می‌توان به الزام دادگاه‌ها به فراهم کردن محیطی غیرعلنی برای دادرسی، حضور وکیل متخصص و امکان استفاده از مددکار اجتماعی اشاره کرد (O'Brien and Foussard, 2019: 1997). این اقدامات

دادگاه ویژه اطفال و امکان استفاده از مددکار اجتماعی در برخی پرونده‌ها، نمونه‌ای از همسویی با استانداردهای بین‌المللی محسوب می‌شود. این اقدامات نشان می‌دهد که نهادهای داخلی در زمینه ایجاد چارچوب‌های ساختاری برای تحقق استقلال شکلی، گام‌های اولیه و مؤثری برداشته‌اند.

با این حال، اصل غیرعلنی بودن دادرسی اطفال که در اسناد بین‌المللی به صورت صریح و مطلق پیش‌بینی شده، در قوانین ایران به شکل مستقیم مورد اشاره قرار نگرفته است. قانون آیین دادرسی کیفری ایران، اصول کلی علنی بودن جلسات را مطرح کرده، اما هیچ ماده صریحی برای غیرعلنی بودن دادرسی اطفال وجود ندارد. این کاستی موجب می‌شود که در عمل، جلسات رسیدگی به اطفال همچنان در معرض عموم یا رسانه‌ها قرار گیرد و کرامت و حریم خصوصی کودک به طور کامل حفظ نشود.

از دیگر کاستی‌ها می‌توان به ضعف نهادهای حمایتی و محدودیت اختیارات مددکاران اجتماعی اشاره کرد. در حالی که قواعد ریاض و پکن بر مشارکت فعال مددکاران و نهادهای حمایتی در دادرسی تأکید دارند، در نظام داخلی ایران، نقش این نهادها در عمل محدود است و اختیارات قانونی کافی برای حمایت از کودک وجود ندارد (Brown, 2010: 25). همچنین، در مواردی که جرائم در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دارد و توسط اطفال ارتکاب می‌یابد، مقررات مشخصی برای تعیین مرجع صالح وجود ندارد و این موضوع با اصول بین‌المللی تعارض دارد.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که ایران در برخی زمینه‌های ساختاری و حقوقی، مانند ایجاد دادگاه ویژه و فراهم کردن امکان حضور وکیل و مددکار اجتماعی، همسو با اسناد بین‌المللی عمل کرده است. با این حال، کاستی‌ها در اصول دادرسی غیرعلنی، نقش حمایتی نهادها، و تعیین مرجع صالح در پرونده‌های خاص، مانع تحقق کامل استقلال شکلی می‌شود. این وضعیت نشان می‌دهد که برای ارتقای سازوکارهای داخلی و همسویی بیشتر با استانداردهای بین‌المللی، اصلاحات قانونی و تقویت نهادهای حمایتی ضروری است.

تخصصی به قضات تأکید دارند (Mendel, 2010: 18). تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که کشورهای عضو این اسناد، از جمله ایران، با الهام از این استانداردها، در مسیر ایجاد دادگاه‌های ویژه، آموزش تخصصی قضات و نهادهای حمایتی و ارائه حمایت‌های مشاوره‌ای به کودکان گام‌های اولیه برداشته‌اند.

به طور کلی، اسناد بین‌المللی یادشده موجب شده‌اند که مفهوم استقلال شکلی عدالت کیفری اطفال به عنوان یک اصل محوری در حقوق بین‌الملل و در تدوین قوانین داخلی کشورها تثبیت شود. تمرکز بر غیرعلنی بودن دادرسی، حضور وکیل و مددکار اجتماعی، محدودیت انتشار اطلاعات و استفاده از روش‌های بازپرورانه و تربیتی، از جمله تأثیرات مستقیم این اسناد بر نظام‌های قضایی داخلی است. علاوه بر این، تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که این اسناد نه تنها جنبه‌های حقوقی را مشخص کرده‌اند، بلکه نقش آموزشی و فرهنگی در تغییر رویه‌ها و نگرش‌ها نسبت به اطفال بزهکار ایفا کرده‌اند. بنابراین، تحقق استقلال شکلی دادگاه‌های ویژه اطفال، بدون توجه به این استانداردها، ناقص و ناکافی خواهد بود.

۴-۵- وضعیت حقوق ایران در مقایسه با اسناد بین‌المللی

با توجه به تصویب و عضویت ایران در کنوانسیون حقوق کودک و پذیرش تعهدات بین‌المللی مرتبط با حقوق اطفال، یکی از چالش‌های مهم در نظام عدالت کیفری ایران، تطبیق مقررات داخلی با استانداردهای بین‌المللی در حوزه دادرسی اطفال است. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که در برخی زمینه‌ها، قوانین ایران همسو با اسناد بین‌المللی عمل کرده‌اند، اما در بخش‌هایی نیز کاستی‌ها و تعارض‌هایی وجود دارد که محدودیت‌هایی برای تحقق کامل استقلال شکلی ایجاد می‌کند.

یکی از نقاط قوت مقررات داخلی ایران، تأسیس دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان و تفکیک آن از دادگاه‌های عمومی کیفری است. این اقدام مطابق با توصیه‌های قواعد پکن و ریاض است که تأکید دارند دادرسی اطفال باید از بزرگسالان متمایز شود و شرایط ویژه‌ای برای حمایت از کودک فراهم شود (Doek, 2004: 15; Brown, 2010: 22). همچنین، حضور وکیل در

همسویی کامل با استانداردهای بین‌المللی ممکن نخواهد بود و بخش‌هایی از حقوق اطفال بزهکار در معرض آسیب قرار می‌گیرد. با توجه به یافته‌ها، ضرورت تقویت استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال بیش از پیش احساس می‌شود. این امر نه تنها به حمایت از حقوق کودک کمک می‌کند، بلکه نقش بازپرورانه و تربیتی نظام کیفری را نیز افزایش می‌دهد و از بازتولید آسیب‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند. استقلال شکلی می‌تواند زمینه‌ساز اجرای عدالت فردمحور و کاهش مجازات‌های سختگیرانه باشد و تأثیرات روانی و اجتماعی مجازات‌ها را کاهش دهد. پیشنهاد اصلی پژوهش، اصلاحات قانونی و نهادی است. از جمله این اصلاحات می‌توان به تدوین مواد قانونی صریح درباره غیرعلنی بودن جلسات دادرسی اطفال، تقویت اختیارات و نقش نهادهای حمایتی و مددکاری اجتماعی، و تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به جرائم خاصی که در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دارند، اشاره کرد.

علاوه بر این، آموزش تخصصی قضات و کارکنان نظام قضایی در خصوص اصول دادرسی اطفال و اجرای توصیه‌های بین‌المللی می‌تواند موجب افزایش کارآمدی دادگاه‌ها و تضمین حقوق اطفال شود. در نهایت، تاکید پژوهش بر هماهنگی بیشتر با استانداردهای بین‌المللی است. اسناد بین‌المللی همچون کنوانسیون حقوق کودک، قواعد پکن و ریاض، چارچوبی جامع برای حفاظت از حقوق اطفال ارائه می‌دهند و ایجاد هماهنگی با این استانداردها می‌تواند علاوه بر ارتقای حقوق کودک، اعتبار نظام قضایی داخلی را نیز افزایش دهد. تلفیق تجربیات بین‌المللی با ظرفیت‌ها و اقتضات داخلی، می‌تواند بستری مناسب برای تحقق عدالت کیفری کودک‌محور فراهم کند و از تضییع حقوق اطفال جلوگیری نماید. به طور خلاصه، مطالعه حاضر نشان داد که استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال نقش کلیدی در حفاظت از کرامت انسانی، تضمین حقوق دادرسی عادلانه و کاهش آسیب‌های اجتماعی دارد. در عین حال، کاستی‌های قانونی و نهادی مانع تحقق کامل این اصل شده‌اند. بنابراین، تقویت استقلال شکلی از طریق اصلاح قوانین، ارتقای نقش نهادهای حمایتی و هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی، راهکار مؤثر برای بهبود نظام دادرسی اطفال در ایران محسوب می‌شود.

در مجموع، تطبیق مقررات داخلی ایران با اسناد بین‌المللی در حوزه استقلال شکلی عدالت کیفری اطفال، تلفیقی از نقاط قوت و کاستی‌ها است. ایجاد دادگاه ویژه و پیش‌بینی حضور وکیل و مددکار اجتماعی نمونه‌هایی از همسویی هستند، اما نبود مقررات صریح برای غیرعلنی بودن دادرسی، محدودیت نهادهای حمایتی و فقدان تعیین مرجع صالح در برخی پرونده‌ها نشان‌دهنده تعارض‌ها و کاستی‌هاست. برای تحقق کامل استانداردهای بین‌المللی، لازم است که اصلاحات قانونی و تقویت نهادهای حمایتی و بازپرورانه صورت گیرد تا حقوق اطفال بزهکار به صورت جامع و مؤثر حفاظت شود.

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به بررسی جلوه‌ها و چالش‌های استقلال شکلی در عدالت کیفری اطفال با نگاهی به اسناد بین‌المللی پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استقلال شکلی، به عنوان یکی از اصول بنیادین دادرسی اطفال، نقش مهمی در حمایت از کرامت انسانی، تضمین حقوق دادرسی عادلانه و کاهش آثار روانی و اجتماعی مجازات‌ها بر کودکان بزهکار دارد. ایجاد دادگاه‌های ویژه اطفال، پیش‌بینی حضور وکیل و مددکار اجتماعی، محدود کردن دسترسی عمومی به جلسات دادرسی و استفاده از نهادهای حمایتی و میانجیگری، نمونه‌های روشن تحقق استقلال شکلی در نظام حقوقی ایران هستند. این اقدامات نشان می‌دهد که چارچوب قانونی و نهادی کشور در برخی زمینه‌ها با استانداردهای بین‌المللی همسو بوده و زمینه‌های ارتقای عدالت کیفری کودک‌محور را فراهم کرده است. با این حال، پژوهش نشان می‌دهد که کاستی‌هایی نیز وجود دارد.

مهم‌ترین نقطه ضعف، فقدان مقررات صریح درباره غیرعلنی بودن دادرسی اطفال است، در حالی که اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک و قواعد پکن این اصل را به صورت مطلق پیش‌بینی کرده‌اند. همچنین، محدودیت نقش و اختیارات نهادهای حمایتی و مددکاران اجتماعی و نبود مقررات مشخص برای تعیین مرجع صالح در پرونده‌های خاص، موجب کاهش اثربخشی استقلال شکلی در عمل شده است. این وضعیت نشان می‌دهد که بدون اصلاحات قانونی و نهادی،

ملاحظات اخلاقی:

موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت داری در استناد به متون و ارجاعات به مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع:

در تدوین این مقاله، هیچ گونه تعارض منافی وجود نداشته است.

سهم نویسندگان:

نگارش این مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام شده است.

تشکر و قدردانی:

از تمام کسانی که نویسندگان را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*. تهران: سمت.

- خالقی، علی (۱۴۰۰). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، تهران: نشر دانش.

- صادقی، علی (۱۳۹۵). «میانجیگری و عدالت ترمیمی در حقوق کیفری اطفال». تهران: مجله حقوق تطبیقی، ۱۲(۲)، ۷۵-۹۰.

- صانعی، پرویز (۱۳۹۲). *عدالت کیفری اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی*. تهران: میزان.

- طباطبایی، حسین (۱۳۹۴). *نهادهای حمایتی و بازپروری اطفال بزهکار*. تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه.

- قاسمی، رضا (۱۳۹۶). *بازپروری اطفال بزهکار و سازوکارهای قضایی حمایتی*. تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه.

- کاظمی، محمدرضا (۱۳۹۵). *نظام عدالت کیفری اطفال در ایران: چالش‌ها و راهکارها*. تهران: پژوهشگاه حقوق کیفری.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۷). *جرم‌شناسی اطفال و نوجوانان*. تهران: میزان.

- نجفی، علی‌اصغر (۱۳۹۶). *قضاوت اطفال و اصلاح رویه‌های قضایی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ب. منابع عربی

- حلی، علامه (۱۴۱۳ق). *قواعد الاحکام*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۴۰۸ق). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- نجفی، محمدحسن (۱۴۱۲ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

پ. منابع انگلیسی

- Barnett H. (2021). *Children's Rights and the Law: An Introduction*. Hague: Routledge.

- Brown, S. D. M. (2010). *The Riyadh Guidelines: United Nations Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency*. United Nations.

- Cipriani, D. (2009). *Children's Rights and the Minimum Age of Criminal Responsibility: A Global Perspective*. Farnham: Ashgate.

- Davis, M. (2012). *Juvenile justice: Theories, practices, and law*. Belmont: Cengage Learning.

- Doak, J., & Ashworth, A. (2018). *Fundamental Rights in the Criminal Process*. Oxford: Oxford University Press.

- Doek, J. E. (2004). *The Beijing Rules: United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice*. United Nations.

- Goldson, B. (2009). *Youth crime and justice*. London: SAGE Publications.

- Mendel, R. A. (2010). *No Place for Kids: The Case for Reducing Juvenile Incarceration*. Baltimore: Annie E. Casey Foundation.

- O'Brien W, Foussard C. (2019). *Violence against Children in the Criminal Justice System: Global Perspectives on Prevention*. Hague: Routledge.
- Schabas, W. (2006). *International Human Rights Law and the Criminal Justice System*. London: Routledge.
- Schmid, J. (2015). "Juvenile justice and procedural safeguards". *International Journal of Children's Rights*, 23(2), 195–214.
- Sloth-Nielsen, J. (2018). *Children's rights in Africa: A legal perspective*. London: Routledge.
- United Nations. (1985). *United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice (The Beijing Rules)*. New York: United Nations.
- United Nations. (1989). *Convention on the Rights of the Child*. New York: United Nations.
- United Nations. (1990). *United Nations Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency (The Riyadh Guidelines)*. New York: United Nations.